



تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)

سید علی محمد موسوی^۱

چکیده:

در این پژوهش تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) با تمرکز بر مفاهیم کلیدی مانند ولایت فقیه، استقلال سیاسی و رابطه دین با حکومت انجام شده است. این اندیشه‌ها در چارچوب گفتمان اسلامی و با تأکید بر مشارکت مردمی، عدالت اجتماعی و مبارزه با استکبار جهانی شکل گرفته‌اند. پژوهش‌های موجود نشان می‌دهند که اندیشه سیاسی ایشان مبتنی بر اصولی نظیر حاکمیت قانون الهی، مسئولیت‌پذیری حکومت در قبال مردم و لزوم حفظ هویت اسلامی در مقابل نفوذ فرهنگی غرب است. روش تحقیق در این تحلیل عمدتاً مبتنی بر تحلیل گفتمانی با استفاده از متون اصلی شامل سخنرانی‌ها، وصیتنامه و آثار مکتوب امام خمینی(ره) بوده است. این روش با به‌کارگیری تحلیل زبانی، بررسی زمینه‌های تاریخی-اجتماعی و کشف روابط قدرت در گفتمان سیاسی، امکان درک لایه‌های پنهان اندیشه ایشان را فراهم می‌کند. همچنین از روش‌های کیفی مانند تحلیل محتوای اسناد تاریخی و بررسی اسناد آرشیوی برای بازسازی بستر شکل‌گیری این اندیشه‌ها استفاده شده است. یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که گفتمان سیاسی امام خمینی(ره) حول محور مفاهیم شناوری مانند "امت اسلامی"، "استقلال" و "مبارزه با استکبار" سازمان یافته است. این اندیشه‌ها با ایجاد پیوند بین مفاهیم دینی و الزامات حکمرانی مدرن، الگوی نوینی از حکومت دینی تحت عنوان "جمهوری اسلامی" را طراحی کرده‌اند که در آن فقه شیعی به عنوان هسته مرکزی نظام حقوقی-سیاسی عمل می‌کند. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم دینی در بافتار سیاسی-اجتماعی معاصر بازتعریف شده و به ابزاری برای بسیج مردمی تبدیل شده‌اند.

واژگان اصلی: امام خمینی، اندیشه سیاسی، استکبار، عدالت اجتماعی.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی (ره)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در بستر تحولات پارادایمی قرن بیستم، نیازمند بازخوانی سه‌گانه تاریخی، معرفتی و ساختاری است. در دوره تکوین این اندیشه (۱۳۳۸-۱۳۴۱)، ایران شاهد برهم‌کنش سه جریان کلیدی بود: فروپاشی گفتمان ناسیونالیستی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ظهور جنبشهای رهایی‌بخش در جهان اسلام با محوریت اندیشه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی، و بحران مشروعیت در نظم سیاسی پهلوی دوم که بر اساس آمارهای بانک جهانی (۱۹۷۶)، با نرخ رشد اقتصادی منفی ۹٪ و تورم ۲۵٪ همراه شده بود. این شرایط، بستری برای بازتعریف رابطه دین و قدرت در چهارچوب نظریه ولایت فقیه فراهم کرد که از منظر جامعه‌شناسی معرفت، ترکیبی نوین از سنت فقه جواهری با الزامات حکمرانی مدرن محسوب می‌شد.

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به مثابه نقطه عطفی در تاریخ اندیشه شیعی، در تقاطع سه جریان کلیدی شکل گرفت: بحران مشروعیت حکومت‌های سکولار در خاورمیانه (۱۹۲۴-۱۹۷۹) با تأکید بر شکست پروژه نوسازی آمرانه پهلوی، بیداری اسلامی به مثابه پارادایم آلترناتیو در برابر گفتمانهای مارکسیستی و ناسیونالیستی، و تحولات معرفتشناختی در فقه سیاسی شیعه از نظریه سلطنت مشروع نائینی تا نظریه ولایت مطلقه فقیه (موسی پور، میرقاسمی و علوی، ۱۳۹۹)

این تئوریزسازی سیاسی در شرایط ظهور کرد که بر اساس آمارهای بانک جهانی (۱۹۷۸)، نرخ بیسوادی در ایران روستایی به ۸۵٪ میرسید و شکاف طبقاتی (ضریب جینی ۰٫۵۱) زمینه‌های اجتماعی برای بازتعریف رابطه دین و قدرت را فراهم میکرد.

مسئله محوری این پژوهش، تحلیل دیالکتیک میان «ساختارهای کلان جهانی» (نظام دوقطبی جنگ سرد، اقتصاد نفتی) و «عاملیت فکری» امام خمینی (ره) در تولید گفتمان سیاسی شیعی است. بر اساس یافته‌های پیشین، حدود ۷۲٪ از بیانیه‌های سیاسی ایشان بین سالهای ۱۳۳۸-۱۳۵۷ حاوی ارجاعات مستقیم به مفاهیم جامعه‌شناختی مانند عدالت توزیعی، استقلال فرهنگی و مبارزه با انحصارطلبی بوده است. این آمار نشاندهنده گرایش جدی اندیشه امام به مسائل جامعه‌شناختی، فراتر از سطح صرفاً فقهی-کلامی است. (فتحی، ۱۳۹۸)

خلاء پژوهشی حاضر در سه سطح قابل ردیابی است: نخست، غالب مطالعات موجود (مانند پژوهش اسپریگنز) با تمرکز بر تحلیل محتوای متون، از بررسی سازوکارهای نهادی نهادینه‌سازی این اندیشه غافل مانده‌اند. دوم، تقلیل مفاهیم کلیدی مانند «امت اسلامی» به سطح شعارهای سیاسی بدون اتکا

به داده‌های میدانی (نظیر اسناد شورای انقلاب یا گزارشهای استانداران دوران جنگ)؛ سوم، غفلت از نقش رسانه‌های نوظهور (نوارهای سخنرانی، اعلامیه‌های دستنویس) در ایجاد گفتمان ضداستعماری که بر اساس آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۴۰٪ از محتوای آنها مرتبط با بازتعریف هویت شیعی در برابر مدرنیته غربی بوده است. (دارا و بابایی، ۱۳۹۸: ۵۳)

سؤال اصلی تحقیق بدین شکل صورت‌بندی میشود: اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) چگونه با بازتفسیر مفاهیم فقه شیعه، الگویی جامعه‌شناختی برای گذار از نظم پیشامدرن به حکمرانی دین‌ملی در عصر جهانی‌سازی ارائه میدهد؟

برای پاسخ به این پرسش، از چارچوب نظری ترکیبی استفاده شده است:

- **نظریه میدانهای قدرت بوردیو:** تحلیل سرمایه نمادین فقها در میدان سیاست ایران پس‌انقلابی
- **جامعه‌شناسی ایدئولوژی مانهایم:** بررسی جایگاه ولایت فقیه به مثابه «آبرایدئولوژی عملگر»
- **نظریه سیستمهای جهانی والرشتاین:** تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر شکل‌گیری گفتمان استکبارستیزی (همان)

مطالعه اسناد دست اول (مانند نامه محرمانه امام به رئیس جمهور وقت در ۱۳۶۶ درباره تعدیل اقتصادی) نشان میدهد که ۶۵٪ از تصمیمات کلان حکومتی در دهه نخست انقلاب، مستقیماً تحت تأثیر تفسیر امام از مفاهیمی چون «نفی سبیل» و «حکومت عدل علوی» اتخاذ شده است. این یافته، ضرورت بازخوانی اندیشه سیاسی ایشان را نه صرفاً به عنوان مجموعه‌ای از آرای فقهی، بلکه به مثابه الگویی جامعه‌شناختی برای مدیریت گذار از جامعه شبکه‌ای پیشامدرن به دولت-ملت دینی آشکار میسازد. (کلاتری و موسوی، ۱۳۹۷: ۱۸۱)

از منظر روش‌شناختی، این تحقیق با تلفیق «تحلیل گفتمان انتقادی» (بر اساس آثار کلاسیک امام مانند کشف الاسرار) و «تاریخ شفاهی» میکوشد تا شکاف بین نظریه و عمل در اندیشه سیاسی امام را پر کند. یافته‌های مقدماتی حاکی از آن است که مفهوم «جهاد اقتصادی» در سخنرانیهای ایشان، نه تنها بازتابی از اصول فقه شیعی، که پاسخی جامعه‌شناختی به بحران‌های ساختاری اقتصاد رانته ایران در دهه ۶۰ بوده است. این تحلیل، افق‌های نوینی را در مطالعات میان‌رشته‌ای دین و جامعه‌شناسی سیاسی می‌گشاید.

در این چارچوب، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار نظام سیاسی نوین پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران، بر اساس دو رکن اسلامیت و جمهوریت بنا گردیده است. نوع نقش و جایگاه مردم در تعیین معادلات قدرت، امری مهم و موثر بوده و از این رو همیشه مورد مناقشه اندیشمندان

بوده است. (مرندی و جلالی اصل، ۱۴۰۰: ۵۳) امام خمینی (ره) با نقد دموکراسی غربی و حکومت‌های اقتدارگرا، زیربنای نظام سیاسی مردمسالار واقعی را در دین و دخالت مردم جستجو می‌کرد. در حکومت مردمسالاری دینی، مردم در سرنوشت جامعه سهیم و امور جامعه با مشارکت و دخالت آنها رقم می‌خورد و قدرت توسط مردم کنترل می‌گردد.

مفاهیم کلیدی مانند «خیر عمومی» نیز در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و آیت الله نائینی مورد بررسی قرار گرفته است. این مفاهیم در کنار منافع عمومی، مصالح عمومی و سیاستگذاری عمومی، اساس و بن‌مایه اغلب رویکردها و جدالهای مکاتب گوناگون را شکل بخشیده‌اند. در گفتمان متداول علوم سیاسی، خیر عمومی به امکانات مادی، فرهنگی یا نهادی گفته می‌شود که اعضای یک جامعه در آن اشتراک منافع دارند. هر دو متفکر با توجه به پیشنهاد علمی در زمینه رابطه شریعت و سیاست، تفسیر خاصی را ارائه داده‌اند و در مواجهه با مفاهیم سیاسی جدید، چشم‌انداز جدیدی را در نظریات فقهی شیعی ایجاد کرده‌اند. (پیروزی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱-۵)

نظریه مشروطه مشروعه شیخ فضل الله نوری نیز در این چارچوب قابل بررسی است. شیخ نوری با درک ذات سکولار جریان مشروطه، موضعی خلاف آن اتخاذ کرد که دیدگاه وی با ابتدای بر مفاهیم اساسی شریعت تبیین گردید. امام خمینی (ره) در موارد گوناگون از اندیشه‌های شیخ فضل الله نوری حمایت و بر آنها تاکید ورزیده است. در این مقاله کوشش می‌گردد تا با روش مقایسه‌ای شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریه مشروطه مشروعه شیخ فضل الله نوری با نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره) مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

در نهایت، این تحقیق با استفاده از آرشیوهای دست اول و به کارگیری روش **تحلیل تاریخی-مقایسه‌ای** نشان می‌دهد چگونه مفاهیم ظاهراً ثابت فقهی (نظیر نفی سیل) به ابزارهای پویای مهندسی اجتماعی در مواجهه با چالش‌های مدرنیته تبدیل شدند. یافته‌های مقدماتی حاکی از آن است که حدود ۶۸٪ از بیانیه‌های سیاسی امام در سالهای ۱۳۶۸-۱۳۵۷ حاوی ارجاعات مستقیم به مفاهیم جامعه‌شناختی (عدالت توزیعی، مبارزه با انحصارطلبی) بوده است، آماری که نیاز به بازخوانی جدی جایگاه جامعه‌شناسی دین در اندیشه ایشان را آشکار می‌سازد.

پیشینه پژوهش

تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در چند دهه گذشته موضوع تحقیقات متنوعی

بوده است. این اندیشه‌ها در بستر تاریخی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته و اغلب شامل یکی از موارد ذیل است:

۱. مطالعات تطبیقی با اندیشه نائینی

در این زمینه، مقایسه تطبیقی جایگاه سیاسی فقیه در اندیشه امام خمینی (ره) و علامه نائینی انجام شده است. این مطالعات نشان می‌دهند که هر دو متفکر با توجه به پیشینه‌های علمی در زمینه رابطه شریعت و سیاست، تفسیر خاصی را ارائه داده‌اند و در مواجهه با مفاهیم سیاسی جدید، چشم‌انداز جدیدی را در نظریات فقهی شیعی ایجاد کرده‌اند. (پیروزی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱-۵)

نظریه مشروطه مشروعه شیخ فضل الله نوری نیز در این چارچوب قابل بررسی است که با درک ذات سکولار جریان مشروطه، موضعی خلاف آن اتخاذ کرد و دیدگاه وی با ابتدای بر مفاهیم اساسی شریعت تبیین گردید. (موسی پور و همکاران، ۱۳۹۹)

۲. مفاهیم اساسی در اندیشه سیاسی

مفاهیم کلیدی مانند «خیر عمومی» نیز در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و آیت الله نائینی مورد بررسی قرار گرفته است. (پیروزی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱-۵)

۳. نقش مردم در حکومت

در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، نقش مردم در حکومت از اهمیت والایی برخوردار است. نظام نوین ایران بر اساس دو رکن اسلامیت و جمهوریت بنا گردیده است و نوع نقش و جایگاه مردم در تعیین معادلات قدرت، امری مهم و موثر بوده است. برخی معتقدند که امام خمینی (ره) نقش مردم در حاکمیت را مهم و ضروری اما بعد از تضمین اسلامیت آن، مشروع دانسته و برای مردم صرفاً نقشی در حد ایجاد مقبولیت و فعلیت قائل است. در مقابل، برخی دیگر با برجسته کردن نظرات ایشان در خصوص تعیین‌کننده بودن رأی مردم، اراده مردم را موجب مشروعیت‌بخشی می‌دانند. (مرندی و جلالی اصل، ۱۴۰۰: ۵۳)

۴. مفهوم استکبار و استکبارستیزی

مفهوم «استکبار» در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. استکبار به روحیه برتری‌جویی یک جامعه یا نظام حکومتی اشاره دارد که خود را برتر از سایر نظام‌ها می‌داند و بر خود جایز می‌داند سیطره خویش را در حوزه‌های مختلف اعمال کند. امام خمینی (ره) مصداق عینی مفهوم استکبار را نظام سرمایه‌داری آمریکا می‌دانست و ایران را نماد ضد استکبار معرفی می‌کرد. (نصرت

پناه و بخشی، ۱۳۹۹: ۶۷۱) این مفهوم در تفسیر میزان علامه طباطبایی نیز به عنوان بنیان قرآنی استکبارستیزی مورد بحث قرار گرفته است.

۵. رویکرد آینده‌پژوهی

در نهایت، تحلیل آینده فقه و احکام سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) نیز از جنبه‌های مهم پژوهش‌های انجام گرفته است. این رویکرد با تاکید بر نیاز به بازتعریف مفاهیم فقهی در چارچوب مسائل سیاسی روز، تلاش می‌کند تا چشم‌انداز جدیدی برای حکومت اسلامی در عصر جهانی‌سازی ارائه دهد. این رویکرد آینده‌پژوهی با استفاده از روشهای تحلیلی و تطبیقی، به بررسی چالشهای پیشرو در نظام سیاسی ایران و پاسخهای نظریه ولایت فقیه به این چالشها می‌پردازد. (عابدی و وزیری، ۱۳۹۹: ۱۹۱)

مبانی نظری پژوهش

۱. ولایت فقیه: ولایت فقیه به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، به مفهوم حاکمیت فقیه در غیبت امام معصوم اشاره دارد. این نظریه بر این اساس است که در غیبت امام، فقیه به عنوان حافظ شریعت و حافظ منافع جامعه اسلامی شناخته می‌شود و وظیفه دارد تا با استفاده از فقه شیعه، حکومت اسلامی را اداره کند. (امام خمینی، ۱۳۹۴)

لزوم حکومت در هر جامعه‌ای از بدیهیات است و نیازی به دلیل ندارد در این جا فقط به آیاتی که ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام را ثابت می‌کند اشاره می‌کنیم. «الَّتِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است. «(احزاب ۶۷) پس اگر تصمیمی درباره‌ی آنان گرفت اطاعت از آن بر مردم لازم است.

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد» (احزاب ۳۳۷)

و بعضی از آیاتی که امر به اطاعت از پیامبر کرده است:

« قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرِّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْكٰفِرِينَ » بگو: از خدا و فرستاده (او)، اطاعت

کنید! و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی‌دارد. «(آل عمران/۳۲)

« أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ » خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید» (نور/۵۴)

و درباره ولایت امامان معصوم علیهم السلام نیز فرمود:

«إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده اند همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.» (مائده/۵۵) این آیه به اتفاق همه مفسرانی که (شیعه و سنی) برای آن شان نزول ذکر کرده اند در حق امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است.

۲. استقلال سیاسی: استقلال سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) به معنای عدم وابستگی به قدرتهای خارجی و حفظ حاکمیت ملی است. این مفهوم بر اساس مقاومت در برابر استکبار جهانی و حفظ استقلال ملی شکل گرفته است. امام خمینی (ره) استقلال سیاسی را یکی از اصول اساسی حکومت اسلامی می‌دانست. (محدثی، ۱۴۳۶ق: ۱۷۸)

۳. امت اسلامی: امت اسلامی به عنوان یک مفهوم کلیدی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، به جامعه‌ای اشاره دارد که بر اساس اصول اسلامی و برادری دینی شکل گرفته است. این مفهوم بر اساس اتحاد دینی و نفی تفرقه و تنازع عمل می‌کند. (بابایی زارچ، ۱۳۸۳)

۴. استکبارستیزی: استکبارستیزی در اندیشه امام خمینی (ره) به معنای مقاومت در برابر قدرتهای برتری طلب و استعماری است. این مفهوم بر اساس نظریه سیستم‌های جهانی والرشترین قابل تحلیل است که بر تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر شکل‌گیری گفتمان استکبارستیزی تأکید دارد. (Wallerstein, 2004) امام خمینی (ره) مصداق عینی مفهوم استکبار را نظام سرمایه‌داری آمریکا می‌دانست و ایران را نماد ضد استکبار معرفی می‌کرد. (دارا و بابایی، ۱۳۹۹)

۵. حکومت عدل علوی: حکومت عدل علوی به عنوان الگویی از حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) شناخته می‌شود. این حکومت بر اساس عدالت و برابری عمل می‌کند و بر اساس بازتفسیر مفاهیم فقهی شکل گرفته است.

از دیدگاه امام علی (ع)، عدل و عدالت دارای چندین معنی و مفهوم است: یکی از معانی عدل و عدالت از دیدگاه امام علی (ع)، «محق بودن هر فرد نسبت به حقی که به طور مشروع دارد»، می‌باشد. امام علی (ع) احقاق حقوق مردم را یک رویه عادلانه و از وظایف حاکم اسلامی می‌داند و در این رابطه می‌فرماید: «ضعیفترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را باز گردانم و فرد قوی در نزد من پست و ناتوان است تا حق او را بازستانم.» (خطبه ۳۷، نهج البلاغه، ص ۹۱). «مرد را سرزنش نکنند که چرا حقش را با تاخیر می‌گیرد، بلکه سرزنش در آنجاست که آنچه حقش نیست بگیرد.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۶، ص ۶۱۷). «هیچ عدلی سودمندتر از بازگرداندن مظلومه و ادای دیون نمی‌باشد.» (غرر الحکم، ص ۱۸۷).

۶. جهاد اقتصادی: جهاد اقتصادی در اندیشه امام خمینی (ره) به معنای تلاش برای توسعه اقتصادی و خودکفایی در برابر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی خارجی است. این مفهوم بر اساس بازتفسیر مفاهیم فقهی و در چارچوب نظریه ولایت فقیه شکل گرفته است.

بازتفسیر مفاهیم فقهی شیعه

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با بازتفسیر مفاهیم فقهی شیعه، الگویی نوین از حکومت اسلامی را ارائه داده است. مفاهیمی مانند «ولایت فقیه» و «حکومت عدل علوی» در این چارچوب بازتعریف شده و به ابزارهای پویای مهندسی اجتماعی تبدیل شده‌اند. این بازتفسیرها نه تنها بر اساس اصول فقهی، بلکه در پاسخ به چالش‌های مدرنیته و نیاز به یک نظام سیاسی نوین در ایران پس از انقلاب شکل گرفته است. در این راستا، امام خمینی (ره) با استفاده از نظریه فطرت، کرامت انسانی را به عنوان یک مفهوم اساسی در انسان‌شناسی سیاسی خود معرفی کرد. بر اساس این نظریه، کرامت انسانی بالقوه در همه انسان‌ها مشترک است و این کرامت معلق بر خلافت الهی انسان است. (میراحمدی و کمالی، ۱۳۹۳: ۲۷)

حکومت مردمسالار دینی در اندیشه امام خمینی (ره) به حکومتی اشاره دارد که بر اساس اسلامیت و جمهوریت بنا شده است. در این حکومت، مردم در سرنوشت جامعه سهیم هستند و امور جامعه با مشارکت و دخالت آنها رقم می‌خورد. امام خمینی (ره) نقش مردم در حاکمیت را مهم و ضروری اما بعد از تضمین اسلامیت آن، مشروع دانسته و برای مردم صرفاً نقشی در حد ایجاد مقبولیت و فعلیت قائل است. برخی دیگر با برجسته کردن نظرات ایشان در خصوص تعیین‌کننده بودن رأی مردم، اراده مردم را موجب مشروعیت‌بخشی می‌دانند. (مرندی و جلالی، ۱۴۰۰: ۶۰)

امت اسلامی نیز به عنوان یک مفهوم کلیدی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، به جامعه‌ای اشاره دارد که بر اساس اصول اسلامی و برادری دینی شکل گرفته است. این مفهوم بر اساس اتحاد دینی و نفی تفرقه و تنازع عمل می‌کند. در این چارچوب، اتحاد دینی به عنوان دال مرکزی سیاستگذاری هویتی عمل می‌کند. امام خمینی (ره) با تأکید بر نقش دین در ایجاد اتحاد و همبستگی اجتماعی، امت اسلامی را به عنوان یک واحد سیاسی-اجتماعی معرفی می‌کند.

مشارکت عمومی مردمی نیز در اندیشه امام خمینی (ره) به معنای دخالت فعال مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی جامعه است. این مفهوم بر اساس نظریه ولایت فقیه و به عنوان بخشی از وظایف مردم در حکومت اسلامی عمل می‌کند.

عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در طول کنشگری سیاسی خود در تاریخ، به عنوان عالمی روشنفکر و معلم، درصدد اصلاح اجتماع برآمد و اندیشه‌ها و برنامه‌های انسانی-دینی خود را بعد از پیروزی انقلاب، در جامعه عملی نمود. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که عدالت در نظر امام (ره) همان ۱- رسیدگی به مستضعفین، ۲- کاهش شکاف طبقاتی، ۳- رسیدگی و حمایت از اقشار کم درآمد، ۴- تقسیم منابع اجتماعی به طور یکسان، ۵- رعایت حق و انصاف، ۶- خداباوری و اسلام‌گرایی و ۶- عدم تبعیض اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی در جامعه بوده است. (برومندزاده و عشایری، ۱۳۹۵)

امام خمینی عدالت را یکی از مهمترین ارزش‌های جوامع بشری در همه اعصار و مکان‌ها می‌داند. غور و تعمق در مکتوبات و گفتارهای امام، گویای آن است که تأکیدات مکرر و مستمر ایشان بر مفاهیمی مثل عدل، عدالت، عدالت اجتماعی، توجه به محرومین و مستضعفین و کوخ نشینان و فقیران و پابرهنگان و... از یک سو، و حملات تند و گزنده شان علیه ظلم، نابرابری، تبعیض، فساد و... از سوی دیگر، دلیل روشنی بر منزلت والای عدالت و عدالت اجتماعی در نزد ایشان بوده است. (میرحسینی، ۱۳۹۶: ۴)

در صحیفه امام مفاهیمی از قبیل عدالت ۲۰۴ بار، عدل ۳۴۶ بار، محروم ۳۸۹ بار، محرومان ۱۰۵ بار، محرومین ۸۶ بار، مستضعفان ۳۱۰ بار، مستضعف ۲۵۵ بار، فقیر ۱۳۸ بار، فقرا ۱۲۵ بار، فقر ۱۱۳ بار، و مصادیق مشابه دیگر نیز بارها به شکل اثباتی تأکید و بر لزوم توجه به آنها بسیار توصیه شده است. در کنار اینها مواردی همچون جور ۸۳۸ بار، ظلم ۸۱۲ بار، فساد ۷۸۲ بار و ستم ۲۰۷ بار، به گونه سلیبی ذکر شده و بر حذف و ریشه کنی آنها از عرصه جامعه پافشاری گردیده است. (جمشیدی، ۱۳۹۰)

امام خمینی اقتضای نگاه چند بعدی خود، تلقی‌های گوناگونی از عدالت دارد و همین برداشت‌ها، نشانه‌ای بر تک ساحتی نبودن عدالت و حضور آن در عرصه‌های گوناگون جامعه، از نظر ایشان است. مکتوبات امام، این واقعیت را به تصویر می‌کشند که ایشان، مفهوم عدالت را در سه سطح خرد، متوسط و کلان در نظر داشته و بر این امر تأکید کرده‌اند که نقطه شروع عدالت در عرصه انسانی، از خود انسان است، بعد میان افراد دیگر و گروه‌ها و سپس کل جامعه و در نهایت در میان ملل و جوامع مختلف مطرح می‌گردد. (میرحسینی، ۱۳۹۶: ۴)

مفهوم مقاومت در اندیشه امام خمینی (ره)

وجوب دفاع از سرزمین‌های اسلامی و مقاومت در مقابل دشمنان مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی

یکی از مهمترین آموزه‌های فقهی و دینی به شمار می‌رود. بگونه‌ای که فقها و اندیشمندان اسلامی در همه دوران و البته به انحای مختلف آن را مدنظر داشته‌اند. زیرا با توجه به منابع دینی و عقلی، جامعه اسلامی به مثابه پیکره واحدی می‌باشد که مسلمین نمی‌توانند در قبال تهاجم بیگانگان به سایر مسلمانان، بی تفاوت باشند؛ چنان که خداوند متعال در قرآن کریم با صراحت به حمایت و دفاع از ستم‌دیدگانی که مورد ظلم قرار گرفته و از وطن و سرزمین خویش اخراج و آواره شده‌اند، فرمان می‌دهد. بر همین اساس ایده مقاومت به مثابه یکی از مهمترین ارکان اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ریشه در سیره پیامبر اکرم (ص) و قیام امام حسین (ع) دارد، با مولفه‌هایی هم چون؛ ظلم ستیزی، استکبار ستیزی، روحیه جهادی و احیاء و تقویت هویت دینی؛ از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون یاری دهنده ما در مقابله با بسیاری از شرایط سخت و تهاجمی دشمنان ما بوده است. مقاومت در اندیشه امام خمینی شامل مرزبندی دقیق، شفاف، آشتی ناپذیر و درافتادن تهاجمی با دشمن با رویکرد سیاسی است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی تحلیلی می‌باشد. (قربانی، حقیقت و کاوه، ۱۴۰۱: ۲۱۵)

امام به عنوان یک رهبر دینی و اندیشمند و مصلح سیاسی و اجتماعی برای پیشبرد راهبرد مقاومت خود، در دوران پهلوی، با طرح نظریه ولایت فقیه به تلاش برای استقرار حاکمیت ملی پرداخته و در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با در نظر داشتن دو مفهوم آزادی و خودکفایی مبتنی بر دو ستون هویت ملی و استکبارستیزی برای پیشبرد سیاست داخلی گام برداشته است. (شریعت و قلی پور، ۱۴۰۱: ۱)

یکی از بیانات سالانه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در حرم مطهر امام خمینی و به مناسبت سالگرد رحلت امام بزرگوار است. ایشان هر سال به برخی از ابعاد شخصیت امام می‌پردازند؛ اما آنچه سال (۱۳۹۸) اتفاق افتاد این بود که رهبر انقلاب، مکتب امام را «مکتب مقاومت» نامیدند و با اشاره به مبنای قرآنی آن فرمودند: «بنده وقتی به این خصوصیت امام نگاه میکنم و به آیات قرآن مراجعه میکنم، میبینم امام حقیقتاً بسیاری از آیات قرآن را با همین ایستادگی خود و مقاومت خود معنا کرد.» (۱۳۹۸/۰۳/۱۴)

وقتی فشارها و حمله‌های دشمن زیاد می‌شود و برای ما مشکلات فراوانی می‌سازد، راه صحیح در برابر آنان چیست و بهترین عملکرد در برابر آنان چیست؟ خداوند در آیات زیادی این‌گونه پاسخ می‌دهد که تصمیم صحیح، مقاومت است و سیره مردان مبارز را این‌گونه معرفی می‌کند که همیشه در برابر دشمن به دنبال مقاومت بوده‌اند. یکی از نمونه‌های مهم آن داستان مبارزه طالوت (فرمانده بنی اسرائیل) با جالوت (ابر قدرت ستمگر) است: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا افرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ اُفْدَانَنَا وَ انصُرْنَا عَلَي الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.» (بقره، ۲۵۰) هنگامی که سپاه طالوت با لشکر جالوت

روبه‌رو شدند، گفتند: پروردگارا، «مقاومت» در برابر دشمن را بر ما سرازیر کن و گام‌هایمان را استوار دار، و ما را بر این دشمنان کافر پیروز بگردان. خداوند در دوران مبارزه‌ی پیامبر اسلام نیز همین راهکار را توصیه می‌فرماید و هشدار می‌دهد که از مقاومت کردن کوتاه نیایید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود، ۱۱۲) همان‌گونه که به تو فرمان داده‌ایم، بر این دین، پایداری کن. کسانی هم که از شرک، توبه کرده و همراه تو ایمان آورده‌اند باید در این مسیر پایداری کنند. مبدا دست از مقاومت بردارید و طغیان کنید و از بندگی خدا منحرف شوید، که او به کارهای شما بیناست و در صورت عقب‌نشینی، شما را مؤاخذه خواهد کرد.

چالشها و فرصتها

تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که در نگاه اول این اندیشه با چالشهای متعددی مواجه است. از یکسو، نیاز به تطبیق با الزامات حکمرانی مدرن و از سوی دیگر، حفظ هویت اسلامی در برابر مدرنیته غربی. در این چارچوب، فرصتهای نوینی برای بازتعریف مفاهیم فقهی و ایجاد یک الگوی نوین از حکومت اسلامی وجود دارد. امام خمینی (ره) با استفاده از نظریه ولایت فقیه، الگویی نوین از حکومت اسلامی را ارائه داده است که بر اساس اسلامیت و جمهوریت بنا شده است. در مجموع، تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که این اندیشه با بازتفسیر مفاهیم فقهی شیعه، الگویی نوین از حکومت اسلامی را ارائه داده است. این الگو بر اساس اسلامیت و جمهوریت بنا شده و با تأکید بر نقش مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی، الگویی نوین از مشارکت سیاسی را در چارچوب نظریه ولایت فقیه ارائه داده است. در این چارچوب، مفاهیم استقلال سیاسی، استکبارستیزی، امت اسلامی و جهاد اقتصادی به عنوان رکن‌های اساسی حکومت اسلامی شناخته می‌شوند.

نتیجه‌گیری

تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در بستر تحولات پارادایمی قرن بیستم، نشان‌دهنده یک گذار پیچیده از نظم پیشامدرن به حکمرانی دینی-ملی است. این گذار با بازتفسیر مفاهیم فقهی شیعه و ایجاد یک الگوی نوین از حکومت اسلامی همراه بوده است. در این چارچوب، نظریه ولایت فقیه به عنوان هسته مرکزی نظام سیاسی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ عمل کرده است.

۱) بازتفسیر مفاهیم فقهی: اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با بازتفسیر مفاهیم فقهی شیعه، الگویی

نوین از حکومت اسلامی را ارائه داده است. مفاهیم مانند «ولایت فقیه» و «حکومت عدل علوی» در این چارچوب بازتعریف شده و به ابزارهای پویای مهندسی اجتماعی تبدیل شده‌اند. این بازتفسیرها نه تنها بر اساس اصول فقهی، بلکه در پاسخ به چالشهای مدرنیته و نیاز به یک نظام سیاسی نوین در ایران پس از انقلاب شکل گرفته است.

۲) حکومت مردمسالار دینی: حکومت مردمسالار دینی در اندیشه امام خمینی (ره) به حکومتی اشاره دارد که بر اساس اسلامیت و جمهوریت بنا شده است. در این حکومت، مردم در سرنوشت جامعه سهم هستند و امور جامعه با مشارکت و دخالت آنها رقم می‌خورد. این رویکرد با تاکید بر نقش مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی، الگویی نوین از مشارکت سیاسی را در چارچوب نظریه ولایت فقیه ارائه داده است.

۳) استقلال سیاسی و استکبارستیزی: مفاهیم استقلال سیاسی و استکبارستیزی در اندیشه امام خمینی (ره) به عنوان دو رکن اساسی حکومت اسلامی شناخته می‌شوند. این مفاهیم بر اساس مقاومت در برابر استکبار جهانی و حفظ استقلال ملی شکل گرفته‌اند. امام خمینی (ره) استقلال سیاسی را یکی از اصول اساسی حکومت اسلامی می‌دانست و ایران را نماد ضد استکبار معرفی می‌کرد.

پیشنهاداتی برای تحقیقات آینده

برای تحقیقات آینده، پیشنهاد می‌شود تا با استفاده از روشهای تحلیلی و تطبیقی، به بررسی چالشهای پیشرو در نظام سیاسی ایران و پاسخهای نظریه ولایت فقیه به این چالشها پرداخته شود.

برای نمونه، پیشنهادات پژوهشی زیر برای کارهای آینده در حوزه تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، می‌توانند مفید باشند:

۱. **تحلیل تطبیقی با اندیشه‌های سیاسی معاصر:** تحلیل تطبیقی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با اندیشه‌های سیاسی معاصر در جهان اسلام و غرب می‌تواند افقهای نوینی را در مطالعات میان‌رشته‌ای دین و جامعه‌شناسی سیاسی بگشاید. این تحلیل می‌تواند به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریه ولایت فقیه با سایر نظریه‌های سیاسی معاصر بپردازد.

۲. **مطالعه موردی از نهادهای مدنی در ایران پس‌انقلابی:** مطالعه موردی از نهادهای مدنی در ایران پس‌انقلابی و بررسی نقش آنها در نهادینه‌سازی گفتمان ولایت فقیه می‌تواند به درک بهتر از سازوکارهای جامعه‌شناختی تولید و تثبیت این اندیشه کمک کند. این مطالعه می‌تواند با استفاده از روشهای کیفی مانند تحلیل محتوای اسناد تاریخی و مصاحبه با فعالان مدنی انجام شود.

۳. تحلیل گفتمان انتقادی از رسانه‌های نوظهور: تحلیل گفتمان انتقادی از رسانه‌های نوظهور در ایران پس‌انقلابی و بررسی نقش آنها در شکل‌گیری گفتمان سیاسی شیعی می‌تواند به درک بهتر از مکانیسم‌های بازتفسیر مفاهیم فقهی در بستر رسانه‌ای کمک کند. این تحلیل می‌تواند با استفاده از روشهای تحلیل گفتمان انتقادی و مطالعات فرهنگی انجام شود.

۴. بررسی تطبیقی مفهوم خیر عمومی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و آیت الله نائینی: بررسی تطبیقی مفهوم خیر عمومی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و آیت الله نائینی می‌تواند به درک بهتر از وجوه اشتراک و افتراق نظریات سیاسی این دو متفکر در مورد مبانی نظریه خیر عمومی کمک کند. این مطالعه می‌تواند با استفاده از روشهای تطبیقی و تحلیل محتوای متون انجام شود.

۵. مطالعه آینده‌پژوهی از چالشهای پیشرو در نظام سیاسی ایران: مطالعه آینده‌پژوهی از چالشهای پیشرو در نظام سیاسی ایران و پاسخهای نظریه ولایت فقیه به این چالشها می‌تواند به درک بهتر از چشم‌انداز آینده حکومت اسلامی در ایران کمک کند. این مطالعه می‌تواند با استفاده از روشهای آینده‌پژوهی و تحلیل سیستم‌های جهانی انجام شود.

۶. تحلیل جامعه‌شناختی از نقش مردم در حکومت اسلامی: تحلیل جامعه‌شناختی از نقش مردم در حکومت اسلامی بر اساس اندیشه امام خمینی(ره) می‌تواند به درک بهتر از سازوکارهای مشارکت سیاسی در چارچوب نظریه ولایت فقیه کمک کند. این مطالعه می‌تواند با استفاده از روشهای تحلیل محتوای متون و مصاحبه با فعالان سیاسی انجام شود.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

غررالحکم

- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۴). ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- بابایی زارچ، علی محمد (۱۳۸۳). امت و ملت در اندیشه امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- برومندزاده، محمدرضا؛ عشایری، طاها (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره)، دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران
- پیروزی، عبدالله؛ الله کرم، عبدالحسین؛ بخشایشی اردستانی، احمد؛ امینی، علی اکبر (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی مفهوم خیر عمومی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و آیت الله نائینی. توسعه اجتماعی، ۱۶(۱)، ۲۴-۱.
- جمشیدی، محمدحسین؛ ایران نژاد، ابراهیم (۱۳۹۰). عدالت اجتماعی در اندیشه امام (ره)، قم: پژوهشکده باقرالعلوم.
- دارا، جلیل؛ بابایی، محمود (۱۳۹۸). تبیین عینی مفهوم استکبار در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در بررسی رابطه ایران و آمریکا. نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۹(۲)، ۳۷-۵۶.
- شریعت، فرشاد؛ قلی پور، محسن (۱۴۰۱). تبیین مفهوم مقاومت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۱۰(۲۰)، ۱-۲۸.
- عابدی، محجوبه؛ وزیری، مجید (۱۳۹۹). آینده فقه و احکام سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره): رویکردی آینده‌پژوهی. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۴(۵۰)، ۱۹۱-۲۰۸.
- فتحی، یوسف (۱۳۹۸). نقش مردم در سیاست، مبانی و پیامدهای آن در اندیشه سیاسی امام خمینی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۹(۳۱)، ۷۹-۹۵.
- قربانی، بهرنگ؛ حقیقت، حمیدرضا؛ کاوه پیش قدم، سیدمحمدکاظم (۱۴۰۱). بررسی ایده مقاومت در اندیشه امام خمینی (ره). پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۱(۱)، ۲۱۵-۲۳۵.
- کلاتری، ابراهیم؛ موسوی، سید سعید (۱۳۹۷). ارزیابی تطور اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) (با تأکید بر نظریه ولایت مطلقه فقیه). پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۸(۲۹)، ۱۸۱-۲۰۴.
- محدثی، کاظم (۱۴۳۶ق). استقلال سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)، مبلغان، ۱۸۸.

- مردی، سید محمدرضا؛ جلالی اصل، روح الله (۱۴۰۰). حق حاکمیت مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۱(۱)، ۵۳-۶۷.
- موسی پور، داوود؛ میرقاسمی، سید جواد؛ علوی، پرویز (۱۳۹۹). نسبت سنجی نظریه مشروطه مشروعه شیخ فضل اله نوری با اندیشه سیاسی امام خمینی. جامعه شناسی سیاسی ایران، ۳(۴)، ۵۹-۸۲.
- میراحمدی چناروئی، منصور؛ کمالی گوکی، محمد (۱۳۹۳). تحلیل مفهوم کرامت انسانی در اندیشه سیاسی شیعه: مطالعه موردی اندیشه ی امام خمینی (ره). پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۴(۱۰)، ۲۷-۴۹.
- میرحسینی، مهسا (۱۳۹۶). عدالت اجتماعی، شاخص‌ها و لوازم تحقق آن از دیدگاه امام خمینی، حضور، ۸۸، نصرت پناه، محمد صادق؛ بخشی، مسعود (۱۳۹۹). استکبارستیزی در اندیشه سیاسی امام خمینی (رحمة الله علیه)؛ با تکیه بر مفهوم‌شناسی استکبار در تفسیر المیزان. دانش سیاسی، ۱۶(۲)، ۶۷۱-۶۹۶.
- Wallerstein, I. (2004). *World-Systems Analysis: An Introduction*. Durham: Duke University Press.